



انترناسیونال



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۲۰ مه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

۶۰۰ نفر از کارگران در کرمانشاه طومار
دستمزد ۴۵۰ هزار تومان را امضا کردند

صفحه ۲

بازجویی، تهدید و بازداشت
فعالین کارگری را محکوم میکنیم

صفحه ۲

این مضحکه را باید بر سر رژیم
خراب کنیم!

صفحه ۳

مردم و "انتخابات"

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور

صفحه ۴

۲ ژوئیه؛ های گیت لندن به یاد ژوین عزیز اجتماع میکنیم!

صفحه ۴

۴ ژوئیه هر سال، روز بزرگداشت منصور حکمت!

قرار دفتر سیاسی در مورد روز گرامیداشت منصور حکمت

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مه ۲۰۰۵

منصور حکمت متفکر بزرگ
مارکسیست، سازمانده خستگی
ناپذیر انقلاب اجتماعی طبقه کارگر
برای تحقق فوری سوسیالیسم، لیدر
جنبش و حزب کمونیست کارگری
روز ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ جان سپرد. دفتر
سیاسی حزب کمونیست کارگری
ایران ۴ ژوئیه را روز بزرگداشت
منصور حکمت مینامد و هر سال در
این روز یاد وی را گرامی خواهد
داشت.

سرمايه قربانی دیگری گرفت!



بیاد
کارگر جانباخته
ایران خودرو
آذر ماجدی

رسید. سازمان های بین المللی
مربوطه حبیب الله کاظمی را به
عددی در آمار دو میلیون و دوست
هزار نفره قربانیان تقلیل خواهند داد،
ما باید حبیب الله کاظمی را به
نماینده قربانیان کشتار جمعی نظام
سرمایه داری بدل کنیم و در مقابل
چشمان جهانیان کیفرخواست او،

صفحه ۲

سه شنبه شب حبیب الله کاظمی
کارگر ۳۰ ساله در بخش مونتاژ
ایران خودرو کشته شد. نام حبیب الله
کاظمی در لیست آمار ۲ میلیون و
۲۰۰ هزار کارگری که هر ساله بر اثر
سوانح کار در دنیا به قتل میرسند
ثبت خواهد شد. نام حبیب الله
کاظمی در لیست قربانیان سلاح های
کشتار جمعی سرمایه به ثبت خواهد

به منصور حکمت احترام بگذارید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

در مورد اعلام انتشار آثار منتشر نشده منصور حکمت از جانب منشعبین

مدافع و نماینده برجسته آن بود.
از لحاظ حقوقی این اقدام نقض
صریح حق آذر ماجدی در انتشار آثار

صفحه ۳

چاپ میکند. این از نظر حقوقی،
اخلاقی و سیاسی یک بی پرسویی
محض و ضدیت آشکار با تمام آن
ارزشهایی است که منصور حکمت
به منصور حکمت احترام بگذارید!
اخیرا جریان انشعابی از حزب
کمونیست کارگری که خود را
"حکمتیست" مینامد اعلام داشته
آثار منتشر نشده منصور حکمت را

کارگران پتروشیمی ماهشهر

خود را برای یک اعتصاب بزرگ آماده میکنند

کارفرمایان واحدهای مختلف
پتروشیمی برای آرام کردن اوضاع به
کارگران تمام بخشها اعلام کرده اند
که دستمزدهای معوقه همه کارگران
را تا ۵ خرداد خواهند پرداخت.
روحیه اعتراضی در میان کارگران
بدنبال اعتصاب روز ۲۵ اردیبهشت
بالا رفته و کارگران قصد دارند تا

صفحه ۲

اعتصاب بزرگتری خواهند زد. تحت
این فشارها پیمانکاران این بخش
قول دادند که طلب کارگران را تا این
تاریخ بپردازند و بدین ترتیب کارگران
به سر کار خود بازگشتند.
طبق گزارش تازه ای که به ما
رسیده است، زمزمه اعتصاب در
میان چند هزار کارگر پتروشیمی
ماهشهر که با مشکل مشابهی
مواجه هستند، شنیده میشود.

اطلاعیه شماره ۵ حزب

در گزارشات قبلی به اطلاع رساندیم
که کارگران پتروشیمی فن آوران
سایت ۳ در منطقه ویژه اقتصادی
ماهشهر در اعتراض به ۴ ماه
دستمزد معوقه خود روز ۲۵
اردیبهشت دست به اعتصاب و
تجمع زدند و اولتیماتوم دادند که اگر
کلیه دستمزدهای معوقه کارگران تا
۵ خرداد پرداخت نشود دست به



ازین شماره کارگر کمونیست دو هفته یکبار پنجشنبه ها منتشر
میشود. آدرس صفحه کارگر کمونیست در اینترنت تغییر کرده است
و آدرس جدید چنین است:

www.wpiran.org/kk-index.htm

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سرمایه قربانی دیگری گرفت

خانواده داغدارش و طبقه کارگر را علیه سرمایه اعلام کنیم.

با پوشش "تابودی سلاح های کشتار جمعی" دولت های سرمایه به عراق یورش بردند، چون این پوشش توجیه مقبول و "بشردوستانه ای" به میلیتاریسم و ویرانگری و جنایاتشان میدهد. طبقه کارگر هر سال حداقل دو میلیون و دویست هزار از اعضای خود را در قتلگاه سرمایه از دست میدهد و هیچگونه یورش و حمله ای برای نابودی این سلاح کشتار جمعی سازمان نمییابد، حتی تلاشی جدی برای باز کردن چشمان مردم جهان به این سلاح کشتار جمعی انجام نمیگیرد. وجدان های آگاه بیدار نمیشوند. اکثریت خاموش بصدا نمی آیند.

طبق این آمار، در طول یک دهه ای که عراق به بهانه نابودی سلاح های کشتار جمعی زیر تحریم اقتصادی قرار داشت، ۲۲ میلیون کارگر بخاطر نبود ایمنی در محیط کار به قتل رسیدند. در مقابل این کشتار جمعی چه اعتراضی سازمان یافت؟

در هر روز ۶ هزار کارگر به قتل میرسند. در هر ۱۵ ثانیه یک کارگر کشته میشود. از زمانی که این نوشته را شروع کردید تا کنون ۶ کارگر جانشان را از دست داده اند. در واقعیت امر، و به گفته خود گزارش سازمان جهانی کار آمار ارقام کشتار از این بسیار وسیع تر است، چون در بسیاری از کشورها خصوصا در کشورهای "در حال رشد" حوادث شغلی در جایی ثبت نمیشود.

این عمق فاجعه ضد بشری است که سرمایه هر روز و هر ماه و هر سال می آفریند. و ابعاد این فاجعه در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی

از صفحه ۱ کارگران پتروشیمی ماهشهر ...

چنانچه کارفرمایان به تعهد خود عمل نکردند با اعتصاب آنها را مجبور به پرداخت حقوقها کنند.

لازم به یادآوری است که فراهوان کتبی کارگران سایت ۳ فن آوران خطاب به سایر کارگران و مردم برای دفاع از خواست کارگران پتروشیمی همچنان در بخشهای مختلف پتروشیمی در جریان است و تاکنون صدها نفر آنها امضا کرده اند. این اقدام نیز بخشی از تلاش فعالین کارگری برای متحد کردن کارگران بخشهای پراکنده پتروشیمی و ایجاد آمادگی برای اعتصاب است.

حزب همه کارگران پتروشیمی را به اتحاد و امضای طومار فرامیخواند. به خواستهای کارگران پتروشیمی، پرداخت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده و سایر خواستهای کارگران از قبیل تغذیه

بازداشت فعالین کارگری را محکوم میکنیم

دهشتناک است. نقش رژیم اسلامی سرمایه در این جنایات هولناک بسیار سنگین تر است. در ایران از ابتدایی ترین ضوابط و استانداردهای ایمنی خبری نیست و محیط کار حکم تله مرگ را دارد.

طبقه کارگر جهانی باید علیه این کشتارها، و این سلاح کشتار جمعی اعتراضی عمومی و وسیع را دامن زند. باید سازمانیافته و متحد علیه سرمایه به میدان بیاید. باید نام این قربانیان را به دنیا اعلام کنیم.

باید یک مقبره مانند مقبره سرباز گمنام در یادبود قربانیان کار کنیم. باید روزی را به یادبود قربانیان کار اعلام کنیم و یک اعتراض وسیع و میلیونی در سراسر جهان سازمان دهیم. باید در یک نبرد طبقاتی متحد و بین المللی کیفرخواست مان را علیه سرمایه اعلام کنیم. هر لحظه سکوت یک قربانی بیشتر از ما خواهد گرفت. سکوت جایز نیست. گرامی باد یاد تمامی قربانیان کار!

بهرتر، آب بهداشتی، خوابگاه مناسب و سایر امکانات رفاهی باید فوراً پاسخ داده شود. حزب کارگران سراسر کشور و مردم آرزیدخواه را به حمایت از مطالبات بحق کارگران پتروشیمی فرامیخواند. دستمزدهای معوقه همه کارگران باید فوراً پرداخت شود، به خواست های رفاهی آنان فوراً رسیدگی شود و دستمزدها باید حداقل به ۴۵۰ هزار تومان برسد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۱۹، ۲۰۰۵

بازجویی، تهدید و بازداشت فعالین کارگری را محکوم میکنیم

ریسندگی و بافندگی کاشان و چند مرکز کارگری دیگر در کاشان گفته است دستمزدها باید به حداقل ۴۵۰ هزار تومان برسد. وزارت اطلاعات فعالین کارگری را احضار میکنند و علیه شان پاپوش دوزی میکنند تا آنها را بترسانند و مانع فعالیت آنها در دفاع از حقوق کارگر بشود.

حزب کمونیست کارگری احضار کارگران توسط وزارت اطلاعات و بازجویی و تهدید و بازداشت آنان را شدیداً محکوم میکند. حزب کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان را فرامیخواند تا بلافاصله تشکیل مجمع عمومی بدهند، این عمل را محکوم کنند و از فعالین و رهبران خود دفاع کنند. کارگران ریسندگی و

بافندگی کاشان باید این مساله را جدی بگیرند و کاری کنند که وزارت اطلاعات دیگر جرات نکند فعالین کارگری را مورد تهدید قرار دهد. حزب همه کارگران و مردم را به دفاع از کارگران و محکومیت اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب همچنین این مساله را در سطح بین المللی دنبال میکند، سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان را از این مسائل بلافاصله مطلع میکند و آنها را به عکس العمل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۱۸، ۲۰۰۵

۶۰۰ نفر از کارگران در کرمانشاه

طومار دستمزد ۴۵۰ هزار تومان را امضا کردند

دستمزدها یک خواست کلیدی و مهم کارگران در سراسر کشور است که به اشکال مختلف بیان میشود.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور میخواهد این طومار را چه فردی و چه در مجامع عمومی خود امضا کنند و به مراجع ذیربط دولتی تحویل دهند. حزب همچنین از معلمان، پرستاران و کارمندان زحمتکش و اعضای خانواده های آنها میخواهد طومار را امضا کنند. این خواستی است که کل طبقه کارگر میتواند و باید حول آن متحد شود و به حرکت درآید. حول این خواست باید جنبش قدرتمندی در سراسر کشور به راه انداخت تا گوشه ای از مطالبات بحق کارگران و مردم زحمتکش از حلقوم سرمایه داران و دولت اسلامی آنها بیرون کشیده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ اردیبهشت ۲۰۰۵، ۱۷، ۲۰۰۵

متن طوماری که در کرمانشاه امضا شده است

طومار زیر را امضا کنید:

حداقل دستمزدها نباید کمتر از ۴۵۰ هزار تومان باشد

با استاندارد بالا و تفریح و استراحت حق ما است و برای استفاده از این حق دستمزدها باید تا یک میلیون تومان افزایش یابد. با اینهمه ما ضمن مبارزه برای رسیدن به یک دستمزد عادلانه بالای یک میلیون تومان، در اولین قدم خواهان این هستیم که حداقل دستمزد در جامعه تا ماهی ۴۵۰ هزار تومان افزایش یابد که مطابق آمارهای رسمی امکان یک زندگی بخور و نمیر وجود داشته باشد. ما خواهان این هستیم که دستمزدهای کمتر از ۴۵۰ هزار تومان در قوانین مملکت بلافاصله ممنوع شود. خواست ما شامل همه کارگران استخدامی و قراردادی در کلیه بخشها و شامل همه معلمان و پرستاران و همه مردم زحمتکش میشود.

ما اعلام میکنیم که دیگر این زندگی جهنمی را نمی پذیریم و برای تحقق این خواست عادلانه و بحق خود از همه مردم شریف و حق طلب در ایران و از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم از ما پشتیبانی کنند.

ما خواهان یک میلیون تومان با کمترین از یک میلیون تومان نمیشود زندگی کرد. از استعمار ما اقلیتی مفتخور میلیاردر میشوند و ما حتی از پس هزینه تحصیل فرزندانمان هم بر نمیائیم. دستمزد فعلی یک سوم خط فقری است که رسماً اعلام شده است، چه کسی انتظار دارد ما با حقوق فعلی بسازیم! ما خواهان یک زندگی رفاهی مطابق معیارهای امروز جامعه بشری هستیم. زندگی کنونی شایسته هیچ بشری نیست.

ما کارگران و معلمان و پرستاران قراردادی و استخدامی، زن و مرد و شاغل و بیکار در سراسر کشور اعلام میداریم که یک زندگی بهتر و انسانی حق ما است، تغذیه و پوشاک مناسب، مسکن و بهداشت

طومار برای افزایش حداقل دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان همچنان در شهرها و کارخانه های مختلف کشور جریان دارد و تعداد بیشتری به آن میپیوندند و آنها امضا میکنند. طبق آخرین خبری که به حزب رسیده است در هفته های اخیر ۶۰۰ نفر از کارگران مراکز مختلف در کرمانشاه از جمله کارخانه پتروشیمی بیستون، پتروشیمی کرمانشاه، کارخانه زمزم و کارگران تعدادی از کارگاههای مختلف صنعتی در این شهر طومار را امضا کرده اند. طبق گزارش دیگری انجمن صنفی برقکار و فلزکار کرمانشاه نیز قطعنامه ای منتشر کرده و از خواست کارگران کاشان و فیولر برای افزایش حداقل دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان پشتیبانی کرده است.

در تهران نیز ۳۰ نفر از کارگران ۵ کارخانه مشترکاً طومار مشابهی را امضا کرده و به اداره کار فرستاده اند.

افزایش چندصد درصدی

این مضحکه را باید بر سر رژیم خراب کنیم!

مضحکه انتخاباتی را به شکستی برای رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

حکومت اسلامی در متن یک بن بست اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، وحشت زده و بی افق، در هم ریخته و شکننده، رو در روی مردمی که عزم جزم کرده اند تا سرنگوش کنند، به روز تعیین رئیس جمهور نظام اوپاش اسلامی نزدیک میشود. از هم اکنون مسابقه و بند و بست بین کاندیداهای منفورشان آغاز شده است.

نام این مراسم اسلامی را "انتخابات" گذاشته اند. این انتخابات نیست. مضحکه است. گذاشتن نام انتخابات به این مضحکه توهین به شعور و اراده آزاد هر انسانی است. مثنی از مرتجع ترین و منفور ترین عناصر رژیم مانند رفسنجانی، کروی، لاریجانی و معین را جلو مردم گذاشته اند که به آنها رای بدهند. اما حتی مجیزگویان همیشه ملتزم به خدمت رژیم هم این بار جرات نمیکند علنا در آن شرکت کنند. اوضاع عوض شده است!

مردم انتخاباتشان را کرده اند.

فریاد آزادیخواهی و اعتراض از هر گوشه ای شنیده میشود. مردم رژیم اسلامی را مسبب بدبختی ها و محرومیت ها و بیحقوقی های خود

در ۲۶ سال گذشته میدانند و برای سرنگونی آن روزشماری میکنند. این حق مردم است. این تنها راه برای رهایی از شر این مصائب است. این اولین قدم برای رسیدن به رفاه و آزادی است.

مردم آزادخواه

این مضحکه را باید بر سر رژیم خراب کنیم. عدم شرکت کافی نیست. هرتحرک انتخاباتی آنها را باید به صحنه اعتراض تبدیل کنیم و به شکست بکشانیم. باید کل بساط این مضحکه در هم پیچیده شود. پوستریهایشان را پاره کنید، در و دیوار را از شعارهای سرنگونی و شعارهای آزادیخواهانه پر کنید، کاندیداهایشان را هو کنید و سخنرانی آنها را به صحنه افشاگری و اعتراض علیه رژیم تبدیل کنید. خود را برای اعتراض سراسری علیه رژیم در روز ۲۷ خرداد آماده کنید. کارگران در اول ماه مه با هم زدن سخنرانی رفسنجانی در استادیوم آزادی راه را نشان داده اند!

روز ۲۷ خرداد را به روز اعتراض سراسری تبدیل کنیم!

**آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران**
۲۵ اردیبهشت ۸۴، ۱۵ مه ۲۰۰۵

صادق امیری آزاد شد

به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، صادق امیری عضو علی البدل این کمیته و از مسئولین تدارک و برگزاری اول مه در سینما فردوسی که روز ۱۵ اردیبهشت ماه دستگیر شده بود، در روز ۲۴ اردیبهشت ماه با قید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده است.

صادق امیری به خاطر دفاعش از حقوق کارگران و برپایی مراسم اول مه دستگیر شده بود و آزادی او از چنگال جمهوری اسلامی تا همینجا یک پیروزی برای کارگران در برابر حکومت اسلامی است که میخواهد هرگونه تحرک کارگران را خاموش کند. صادق امیری به قید وثیقه آزاد شده است. حکومت اسلامی میخواهد او را به جرم همکاری با گروههای سیاسی و "اقدام علیه امنیت کشور" و پخش "اوراق غیر قانونی" محاکمه کند. این تلاش را نیز باید به شکست بکشانیم و رفع

از صفحه ۱ به منصور حکمت احترام بگذارید

منصور حکمت است. منصور حکمت در آخرین روزهای حیاتش آذر ماجدی را بعنوان ویراستار و منتشر کننده آثارش معرفی کرد. و حزب ما نیز در پلنوم شانزدهم باتفاق آرا این وصیت منصور حکمت را محترم شمرد و این حق را برای آذر ماجدی محفوظ دانست. اعضا و رهبران جریان اشعابی بخوبی از این واقعیت آگاه اند، و خود تا زمانی که عضو حزب ما بودند این حق را برسمیت میشناختند و رعایت میکردند. این را هم بخوبی میدانند که نقض این حق بر مبنای قوانین "کپی رایت" یا حق تالیف در تمام جوامعی که حق و حقوق در آن معنائی دارد جرم محسوب میشود. اگر وصیت منصور حکمت به شکل کتبی و رسمی وجود داشت سران حزب منشعب مجرم و قابل تعقیب قانونی بودند. اینکه این وصیتنامه به شکل کتبی وجود ندارد در جرم منشعبین تخفیفی نمیدهد، آنرا تشدید میکند. بی پرنسبیبی و غیر قابل اعتماد بودن را نیز به آن اضافه میکند. بی گمان اگر منصور حکمت میدانست آخرین خواست و وصیت شفاهی او از جانب کورش مدرسی، یکی از کسانی که مستقیما این وصیت را شنیده، زیر پا گذاشته میشود این خواست را مینوشت و به آن رسمیت قانونی میداد. او به رفقایش اعتماد کرد و منشعبین نشان دادند که شایسته این اعتماد نبوده اند.

اما حتی اگر قوانین حق تالیف وجود نمیداشت هم این اقدام منشعبین از نظر اخلاقی و انسانی تماما محکوم بود. جریانی که خود را "حکمتیست" مینامد صریحا و

صادق امیری و آزادی فوری پرویز سالاروند است. حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و مردم آزادخواه و از همه سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان میخواهد علیه سیاست های ضدکارگری حکومت اسلامی اعتراض کنند و خواهان رفع تعقیب از صادق امیری و آزادی پرویز سالاروند شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۱۷ مه ۲۰۰۵

آشکارا اعلام میکنند که برای خواست و وصیت منصور حکمت کمترین ارزشی قائل نیست و حاضر است بر اساس حسابگریهای خرد و حقیر سیاسی به همه تعهدات خود به منصور حکمت پشت پا بزند. شاید نباید توقع دیگری میداشتیم. اتفاق عجیبی نیفتاده است. جریانی که در نظرات و سیاستها بروشنی آنتی حکمتیست است امروز اعلام میکند که از لحاظ پرنسبیبهای اخلاقی و انسانی نیز از منصور حکمت انشعاب کرده است. حزب منشعبین، حزب منسجمی است!

اما مهمترین جنبه ضد حکمتیستی این اقدام منشعبین جنبه سیاسی آنست. ادیت و ویراستاری آثار منتشر نشده منصور حکمت، بویژه با توجه با اینکه تقریبا تمامی این آثار سخنرانی ها و سمینارهای منصور حکمت و به شکل شفاهی است، یک کار صرفا ادبی و انشائی نیست بلکه امری اساسا سیاسی است. موضع و نظرات ویراستار مستقیما بر انتخاب و یا عدم انتخاب و ترتیب و اولویت انتشار، و نحوه ادیت این اسناد و گفتارها، و فرمولبندیها و جمله بندیهای نسخه نهائی و کتبی آنها، و حتی مقدمه ای که بر آنها نوشته میشود، تماما تاثیر میگذارد. بخصوص در زبان فارسی که شکل شفاهی و کتبی آن بسیار متفاوت است نسخه کتبی میتواند شکل کاملا تحریف شده ای از بحث شفاهی باشد. بی شک وقتی منصور حکمت آذر ماجدی را ویراستار آثارش معرفی کرد تمام این جنبه ها را نیز مد نظر داشته است. این یک وصیت سیاسی است و نه صرفا حقوقی و ادبی. با این وصیت

منصور حکمت در واقع اعلام کرده است که محتوا و مضمون آثاری که بوسیله آذر ماجدی ادیت و منتشر شده باشد و یا مورد تایید او نباشد قابل اتکا و اعتماد نمیداند. لذا این نوع انتشارات غیر مجاز نه تنها از نقطه نظر قانونی و اخلاقی، بلکه از لحاظ مضمون سیاسی نیز نمیتواند اثر منصور حکمت، آنچنانکه اگر خود او زنده میبود منتشر میکرد، قلمداد شود. همانطور که اگر جلد دوم و سوم کاپیتال توسط هر شخص دیگری بجز انگلس، و یا مورد تایید او، ادیت و منتشر میشد از لحاظ مضمونی قابل اتکا نمیبود. حزب منشعب نشان داده است که از لحاظ نظری و سیاسی آنتی حکمتیست است، (در این مورد کاپیتال را میخواهد آقای دورینگ منتشر کند!) اما حتی اگر چنین نمیبود ادیت و چاپ آثار منصور حکمت بوسیله این جریان اعتبار سیاسی نمیداشت. حتی از نقطه نظر خواننده بیطرف این آثار، کسی که موضعی نسبت به حزب ما و یا منشعبین ندارد، آثاری که بوسیله آذر ماجدی، مستقل از اینکه نظرات امروزی وی چیست و یا به چه حزبی متعلق است، ادیت و منتشر و یا تایید نشده باشد از لحاظ مضمونی معتبر نیست. هر کس برای منصور حکمت و نظرات و مواضع و تصمیمات سیاسی اش اندک احترامی قائل باشد موضعی جز این نخواهد داشت.

با توجه به تمام نکات فوق ما اقدام منشعبین برای انتشار آثار منصور حکمت را نقض پایه ای ترین اصول حقوقی و اخلاقی و سیاسی میدانیم و آنرا محکوم میکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مه ۲۰۰۵

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

۲ ژوئیه؛ های گیت لندن به یاد ژوئین عزیز اجتماع میکنیم!

پرنشندی است.

در سومین سال درگذشت منصور حکمت، بدعوت آذر ماجدی روز شنبه دوم ژوئیه ۲۰۰۵، در گورستان های گیت لندن اجتماع میکنیم و با گلباران بنای یادبودش، ضمن ادای احترام به این رهبر برجسته رهائی بشر، با آرمان والایش تجدید پیمان میکنیم. در همان روز مراسم یادبود منصور حکمت در سالنی ادامه خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری از دوستداران منصور حکمت و جنبش کمونیسم کارگری، از سوسیالیستها، آزادیخواهان و انساندوستان برای شرکت در مراسم یاد بود دعوت میکند. یاد منصور حکمت را با عزم و اتحاد برای زیر و رو کردن این جهان وارونه گرامی بداریم!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مه ۲۰۰۴

۴ ژوئیه ۲۰۰۲، جنبش کمونیستی طبقه کارگر ضربه سنگینی خورد. در اینروز، کمونیسم معاصر رهبر سازش ناپذیر و استراتژیست تیزهوش خود، منصور حکمت (ژوئین رازانی) را از دست داد. او تنها ۵۱ سال زیست و سرطان امانش نداد تا نتایج کار و تلاشش را در عروج کارگر زیر پرچم کمونیسم و سوسیالیسم در قلب ارتجاع سرمایه داری ببیند. منصور حکمت سخنگوی پرشور آزادی و رهائی بشر و پرچمدار انقلاب و سوسیالیسم در دنیای سیاه و مملو از مشقت سرمایه داری امروز بود. او جهان را به سوسیالیسم فراخوان میداد چون عمیقاً بر این باور بود که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به یک منجلاب تبدیل میشود. فقدان ژوئین عزیز، چه در قلب تک تک ما و چه در عرصه سیاسی و مبارزاتی حفره ای

تمام اندیشه‌های خود را در حزب کمونیست کارگری ایران دیدم

می‌خواهم فعالیت منظم حزبی داشته باشم و بهمین دلیل خواهشمندم به‌طرریق که صلاح می‌بینید، ترتیبی دهید که رسماً عضو حزب شوم و با افرادی که در ایران فعالیت حزبی دارند در ارتباط باشم و فعالیت رسمی خود را آغاز کنم.

شوخی: شما را به مارکس قسم می‌دهم که مرا از سرگردانی و تنهایی نجات دهید!

ضمناً در نظر داشتن مسائل امنیتی و حساسیت این کار، مشخصات کامل خود را در اختیار شما قرار می‌دهم تا پس از تحقیق لازم با من تماس گرفته شود.

بی‌صبرانه منتظر پاسخ و تماس شما هستم و از برنامه‌های خوب شما سپاسگزارم. بگامید اینکه در آینده نزدیک، در حزب کمونیست کارگری ایران و در کنار هم در کشورمان برای یک دنیای بهتر مبارزه کنیم.

درضمن من در منزل به اینترنت دسترسی ندارم لذا خواهشمندم ترتیبی دهید که با تلفن یا آدرس فوق با من تماس گرفته شود.

باتشکر جعفر ع

با سلام و عرض ادب خدمت خانم آذر ماجدی عزیز
اسم من جعفر است و اگر خاطراتان باشد دو روز پیش از تهران با شما تماس گرفتم. خانم ماجدی من هیچوقت از وضع موجود راضی نبودم و همیشه بر این اندیشه بودم که دنیا اینگونه که هست، اصلاً عادلانه و انسانی نیست و همیشه به دنبال یافتن جوابی برای توجیه تناقضات این وضع و اینکه چه باید کرد بودم. در این تکاپو فعالیت خود را از منتهی‌الیه راست جامعه شروع کردم، اما خیلی زود به این نتیجه رسیدم که مذهب، ضعیف‌ترین، عقب‌مانده‌ترین و مزخرف‌ترین تفکر و اندیشه‌ای است که انسان نسبت به جهان و هستی دارد.

مدتها در سرگردانی به سر بردم و جایی برای اندیشه خود نمی‌دیدم، تا اینکه با حزب و تلویزیون شما آشنا شدم و تمام اندیشه‌های خود را در حزب کمونیست کارگری ایران دیدم. همانگونه که پیش از این هم با شما در میان گذاشتم و باتوجه به انگیزه و توانی که در خود سراغ دارم،

دستش را از دست داد.

ایران خودرو امروز یکی از مراکز کارگری شناخته شده است که در آن سوانح کار و شدت کار از کارگران مرتباً قربانی میگردد. سوالی که در مقابل ما قرار دارد اینست که چگونه

باید به این جنایات پایان دهیم؟ تحمیل شرایط بهتری همین امروز در ایران خودرو عملی است. نه فقط برای کارگران ایران خودرو بلکه برای هر کارگری روشن است که کارفرماها کوچکترین اهمیتی برای سلامت و امنیت کارگران قائل نیستند. از نظر سرمایه دار کارگر هرچه ساکت تر و سربزیر تر باشد و بیشتر کار کند "کارگر خوب و نمونه" است! سرمایه دار و کارفرما جماعت را باید عقب راند، حق کارگر را از حلقومش بیرون کشید و شرایط بهتری را بنفع کارگر به او تحمیل کرد. و این امر روزمره جنگ کارگر و سرمایه دار است.

جمعی از کارگران ایران خودرو در اطلاعیه‌ای اعلام کرده اند که در همبستگی با حبیب کاظمی روز شنبه ده دقیقه دست از کار میکشند. این اقدام بسیار خوبی است اما امنیت را به محیط کار برنمیگرداند. تضمینی نیست که فردا سانحه دیگری پیش نیاید. مرگ حبیب کاظمی باید پاسخ درخوری بگیرد. کارگران ایران خودرو لازم است فوراً در مجامع عمومی قسمتها و کارگاهها تصمیم بگیرند که برای کشته نشدن کارگر در حین کار و تکرار نشدن این تراژدیها اقدامات موثری را در دستور بگذارند. هزاران کارگر این شرکت بزرگ میتوانند کارهای متعددی را پیش ببرند. اعتصاب متحدانه در روز معینی و با اعلام قبلی با خواست پاسخگوئی شرکت و دولت در مقابل کشته شدن حبیب کاظمی یک قلم کار است. باید دسته جمعی خواهان این شد که امنیت محیط کار مطابق با استانداردهای موجود شرکتهای مشابه بالا رود و نمایندگان مستقیم کارگران بر آن نظارت داشته باشند. همینطور لازم است مرگ حبیب کاظمی و دیگران در همین شرکت بعنوان پرونده قتل‌های محیط کار در شرکت ایران خودرو به سازمانهای کارگری برای پیگیری ارسال شود. یک کار فوری و مهم در این زمینه اعزام هیئتی از جانب این سازمانها به ایران برای بررسی این پرونده است. وکلای کارگری باید این پرونده را بعهده بگیرند و علیه رژیم ایران و کارفرماهای ایران خودرو شکایت شود. *



سیاوش دانشمند

در حاشیه رویدادها

مردم و "انتخابات"

خامنه ای و هم امثال کروی به رفسنجانی حمله میکنند. این تنش ها قبل از اینکه چیزی در باره اختلافات جناحها بگوید دارد بر ترس یکپارچه کل حکومت از انفجار جامعه تاکید میگذارد. همه شان آرزو دارند که "نظام" در این "انتخابات" مهر مشروعیت بخورد چرا که نفس موجودیت سیاسی شان منوط به اینست.

کل این بازی را باید بهم ریخت. دولتهای غربی هم وقایع ایران را با حساسیت دنبال میکنند. وحشت آنها از انقلاب کارگری اگر بیشتر از دستیابی رژیم به سلاح هسته ای نباشد، کمتر نیست. امید هر طرفی از کل کمپ راست - از غرب تا جناحهای حکومت - به رفسنجانی استراتژیکی نیست، تاکتیکی است. رفسنجانی از نظر هر کدام هموار کننده مسیر سیاسی بنیادی تری در تحولات سیاسی ایران است. فقط شکست تمام عیار این نمایش مضحك و پیشروی کارگر و انقلاب آزادیخواهانه اش میتواند کل این بازی را ناممکن کند. امروز بیش از هر زمان شکافها و تنشهای درون کمپ راست در مورد آینده ایران به نفع مبارزه برای سرنگونی و عقب راندن رژیم اسلامی عمل میکنند. تحمیل یک شکست همه جانبه به جمهوری اسلامی در این مضحکه، جنبش آزادی و برابری را تصاعدی به پیش میراند.

به کارگران ایران خودرو

مرگ دلخراش حبیب کاظمی بر اثر ناامنی محیط کار یک قتل عمد دیگر سرمایه داران علیه کارگران است. بورژوازی ایران محیط کار را به یک قتلگاه تبدیل کرده است. از امید اولادی تا حبیب کاظمی و کارگرانی که هر روز در گوشه گوشه ایران قربانی ناامنی محیط کار میشوند، جانشان را از دست میدهند و یا دچار نقص عضو میشوند، اینها همه سند جنایت مستقیم سرمایه علیه کارگران در محیط کار است. جنایتی که تنها منطقی کم هزینه کردن تولید و کسب سود بیشتر است. هفته پیش هم جمشید پرکانیان کارگر شرکت آلومین سنندج چهار انگشت

یک نگرانی کل حکومت اسلامی عدم شرکت گسترده مردم در نمایشی است که اسم آنرا "انتخابات" گذاشته اند. آمارهای خودشان که "اعتبار" آن باندازه مکان رژیمشان در نزد مردم است روشن است: از بیست و چند درصد تا سی و چند درصد ممکن است شرکت کنند. تازه این محاسبات براساس "شوک تبلیغاتی"، وعده های پوچ، بسیج ابواب جمعی ارگانهای سرکوب، تحریک قومی، و گرو گرفتن شناسنامه جوانان و تهدید مستخدمین دولتی است. بیش از هر زمان جمهوری اسلامی رژیمی نامشروع نه فقط میان مردم ایران بلکه در چشم جهانیان و حتی بخشی از دولتهای است که همین اوباشان را برای سرکوب انقلاب ۵۷ به صحنه آوردند. این نمایش برای مردم کوچکترین ارزشی ندارد و رژیم اسلامی هم این را میدانند. رفسنجانی، سنگین وزن این نمایش، پاسخ را فی الحال از کارگران در اول مه گرفته است و مابقی شان از اصلاح طلب تا قاتلین قدیم سپاهی، در جلسات پیشا "انتخاباتی" پاسخ دندان شکن گرفته اند و مجبور شدند بساطشان را جمع کنند و بروند.

این نمایش اگر اهمیتی دارد اینست که چه فردی از درون رژیم میتواند در زمینه معامله با دولتهای غربی و مشخصاً رابطه ایران و آمریکا، رسیدن به توازنی در پرونده اتمی و مسائل منطقه ای بسود کل نظام نقش ایفا کند. اهمیت رفسنجانی چه برای غرب و چه برای عمده حکومت اینجاست. برای دو خرداد رفسنجانی ضربه گیر است چون نهایتاً با خامنه ای یک تیم نمیشود و شکست احتمالی او راه را برای مغضوبین از حکومت و "اپوزیسیون" فردا در طرحهای غرب هموار میکند. برای بخشی از جناح راست رفسنجانی میتواند زمان بخرد. اما علیرغم محاسبات و تنشهای رویه گسترش درون حکومتی، مردم در کمین اند. فاکتور پیشروی اعتراض و مبارزه آزادیخواهانه مردم و موقعیت نابسامان حکومت به تنش میان جناحها دامن زده است. هم طرفداران